

در سفر به مشهد از دیدار علما بهره ببرید

نگاه به زندگی علما و بزرگان مثل دسترسی به یک کتابخانه مرجع است یا کمک گرفتن از پزشکی حاذق. به این معنی که شاید ما فرصت نکنیم به اندازه آن‌ها در مفاهیم دینی تمرکز و توجه کنیم و به نوعی می‌خواهیم از روی دست آن‌ها نگاه کنیم و کمک بگیریم. این موضوع در خصوص زیارت امام



این راه را بپوشید: علامات بعرفون لها: حدیث و ادراک امانت و وفاء العهد

تقوای پیشگان نشانه‌هایی دارند که با آن‌ها شناخته می‌شوند: راست‌گویی، امانت‌داری، وفای به عهد و ...



حاشیه

بنایی به این عظمت و شکوه ندیده بودم

شکوه و عظمت آستان امام رضا(ع) حتی در دوره‌های بعدی که شهر داری عمارت‌های بیشتری شده باز هم به چشم می‌آید: «وقتی شاه تهماسب شهر را توسعه داد، گنبد مطهر را با آجرهای طلایی روکش کرد، یک مناره زیبا ساخت و آن را طلاکاری و دور مرقد، ضریح طلایی نصب کرد. نادرشاه بعد از تاخت و تاز افغان‌ها، شکوه و جلال مشهد را به درجه کمال رساند و بر موقوفات این مکان افزود. در بزرگ‌را در طرف جنوب غربی نصب و مرقد را با جواهر و تزیینات مزین و ضریح فولادی را دور آن برپا کرد. باید اعتراف کنم تا آن تاریخ بنایی به این عظمت و شکوه ندیده بودم» (فر ریزر، سفرنامه تهران) «از استانبول به

رضاع) هم صدق می‌کند. آیت‌الله ایازی یکی از علمای بزرگ معاصر مازندران بود. ایشان از خاطرات خود درباره سفر زیارتی خویش به حرم امام رضا(ع) چنین می‌فرماید: من در سفر خود به مشهد، علاوه بر زیارت تلاش می‌کردم با اساتید و عالمان بزرگ آنجا آشنا شوم.

و بکم یختم و بکم ینزل الغيث و بکم یمسک السماء، ان تقع علی الارض... من اراد الله بها بکم...! هر کس نزد شما آمد، نجات خواهد یافت و کسی که از شما فاصله گرفت، هلاک می‌شود... هر کس شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر کس با شما

« از راه شما به خدا می‌رسیم

در زیارت جامعه که از میراث مبارک امام هادی(ع) است، این‌گونه می‌خوانیم:

«مَنْ اتَاکمْ نَجَى و من لم یاتکم هَلْک... و من الاکم فقد والی الله و من عاداکم فقد عادى الله... بکم فتح الله



صدیقه رضوانی‌نیا|

غروب بود؛ یک غروب سرد زمستانی. برف دی ماهی مثل حریری سفید، تمام گنبد طلا را پوشانده بود. آن سال‌ها زمستان‌های مشهد سوز عجیبی داشت؛ سرما بود و یخبندان. زوج جوان خسته و رنجور تازه از قم رسیده بودند. مرد جوان ۲۳ سال بیشتر نداشت، طلبه حوزه قم بود و این دوسه سال حضور در ایران سبب شده بود فارسی یاد بگیرد. همسرش کم سن و سال بود و تازه ساکن شهر قم شده بود، فارسی هم اصلاً بلد نبود. اما غربت، تنها مشکل بانوی جوان نبود. چند وقتی از بارداری اش نگذشته بود که دکتر پس از آزمایش از احتمال مرگ جنین و سقط خبردارش کرده بود. «سردار حسن» به همسر پیشنهاد کرد چند روزی راهی مشهد شوند تا در کنار امام رضا(ع) آرام گیرند و زائران هندی حالا در صحن انقلاب بودند، روبه‌روی پنجره فولاد.

■ به زیارت آمدم تا غممان سبک شود

وارد حرم شدند. زن اولین سفرش به مشهد بود و نخستین بار بود حرم امام رضا(ع) را می‌دید. نماز خواندند؛ نماز زیارت، نماز مغرب و عشا،

زیارت‌نامه...

تمام مدت، مرد دلشکسته بود و زن دلشکسته‌تر. چه رؤیاهایی که برای کودکشان داشتند و چه نقشه‌هایی که برای آینده فرزندشان نکشیده بودند. اما حالا...

مرد جوان نگاه نگران‌ش را به گنبد طلایی حرم انداخت. گنبد پوشیده در برف بود. رو کرد به همسرش و گفت: من تاکنون زمستان مشهد را ندیده‌ام، هر وقت آمده‌ام اینجا بهار بوده است.

زن در دنیای خودش بود که بغضش ترکیب؛ رو کرد به سردار و گفت: «اگر این بچه زنده مانده بود و پسر بود اسم رضا را برایش می‌گذاشتیم و اگر دختر بود زهر».

اشک‌های مرد هم سرازیر شد. زوج جوان ساعتی را در حرم ماندند و مرد که دید زن همچنان آرام نگرفته، پیشنهاد داد برای استراحت به محل اقامتشان بازگردند. با دلی غمگین به هتل برگشتند و مشغول استراحت بودند که یکی از دوستان مرد تلفنی جویای حال و او همسرش

شد و پرسید زیارت، دل زن جوان را آرام کرده یا نه؟ سردار جواب داد: زیارت بودیم اما همچنان بی‌قرار است و تمام مدت در حرم هم اشک می‌ریخت. دوست طلبه هندی با همان زبان هندو گفت: می‌دانم از دست دادن فرزند سخت است اما شما به دیدار و زیارت امام رثوف رفته‌اید؛ همسرت از هزاران کیلومتر آن طرف‌تر زائر شده، به امام متوسل شوید، من مطمئنم حاجتتان را می‌گیرید و آرام می‌شوید.

■ قد هزار سوره کوثر صبر

حرف‌های مرد، سردار را بی‌قرار تر کرد. همسرش از فرط خستگی و بیماری روی تخت خوابش برده بود. حال سردار هم کم‌از نداشت اما دلش آرام نگرفت و دوباره در آن سرمای زمستانی به حرم امام رضا(ع) برگشت. هوای مشهد سردتر شده بود. به حرم که رسید یک‌راست رفت سراغ ضریح مطهر. اطراف ضریح خیلی خلوت شده بود. روبه‌روی ضریح نشست، بی‌پناه و خسته و دلشکسته، با نگاهش با امام درد دل کرد؛ او را به مادرش قسم

در نخستین مسافرت به مشهد مقدس، موفق به دیدار دو شخصیت بزرگ علمی آن دیار شدم. نخستین شخصیت علمی که توفیق ملاقات با ایشان را داشتم جناب ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی بود که در ادبیات عرب، تخصص و مهارت خاصی داشت و مدرس رسمی کتاب‌های

دشمنی کند؛ با خدا دشمنی کرده‌است... به شما خداوند آغاز می‌کند و به شما پایان می‌دهد و به وسیله شما باران می‌فرستد و به وسیله شما آسمان را نغمه می‌دارد... هر که خدا را خواهد، باید از طریق شما آغاز کند و به خدا تقرب جوید...».

خاطر خانمم بیمار و پریشان حال است. زن با تعجب پرسید: بچه سقط شده؟ سردار به نشانه تأیید سری تکان داد و گفت: بله، بچه در شکم مادر مرده بود که پزشک زنان داروهایی داد تا جنین مرده دفع شود. زن دوباره با تعجب گفت: ولی به نظر من این زن باردار است و بهتر است زودتر او را پیش دکتر زن ببرید.

مرد به صورت مهربان زن خدمه که متعجب و نگران بود، نگاه کرد و گفت: مادر ما هندی هستیم، دکنری را در این شهر نمی‌شناسیم، از طرفی من مطمئنم بچه از دست رفته است. زن خدمه مکث کوتاهی کرد و گفت: من یک خانم دکتر می‌شناسم، مطبش همین اطراف حرم است، دکتر ماهری است. صبح حتماً پیشش بروید. به هر حال ضرری ندارد. مرد تأملی کرد؛ آدرس را پرسید و تشکر و خداحافظی کرد.

■ سفر مشهد؛ مهر به بانوی هندی

صبح که شد در جایی از کوچه پس‌کوچه‌های اطراف حرم مطب خانم دکتر را پیدا کردند. زوج جوان شرح ماقوع کردند و داروهایی که دکتر زنان قم داده بود را هم به دکتر زنان نشان دادند. دکتر، زن جوان را معاینه کرد و سونوگرافی برایش نوشت. خانم دکتر جواب را دید که به سردار گفت: همسر شما باردار است و جنین هم پسر است. من مانده‌ام چطور با این داروها بچه زنده مانده است؟ زن و مرد جوان با تعجب به‌هم نگاهي انداختند. مرد سر بر دیوار گذاشت و همان‌طور که اشک می‌ریخت، گفت: ما حالم ان خوب نبود که مشهد آمدم، همسر اولین بار است امام رضا(ع) را زیارت می‌کند. منتها آن‌قدر به امام غریب ارادت داشت که مهر به از دو اجمان سفر زیارتی مشهد شد و نذر کرده بودیم اگر فرزند پسر داشته باشیم اسمش را رضا بگذاریم و حالا معجزه امام را می‌بینیم. آقا انگار غم دل مرا دیده است.

چند ماه بعد در آگوست ۲۰۰۳ پسری در خانه سردار حسن در قم متولد شد که اسمش را رضا گذاشتند. رضا حالا دانشجوی مهندسی در شهر نواگان سادات در هند است. شهری زیبا در شمال هند و ۱۰۰ کیلومتری دهلی نو با مزارع انبوه انبه و موز و گندم؛ منطقه‌ای که کانون شیعیان و سادات هند است.

❀ با هم به زیارت برویم ❀

زمان‌های توصیه شده در آیات و روایات برای دعا کردن

وقت صدا کردن خدا



می‌فرمایند: «روز جمعه بر درگاه خدا تضرع و بسیار دعا کنید و از خداوند طلب بخشش و رحمت کنید. خداوند در این روز دعای هر مؤمنی را اجابت می‌کند» (قطب راوندی، الدعوات) همچنین امام باقر(ع) در روایتی در این خصوص می‌فرمایند: «گاهی بنده مؤمن از خداوند حاجتی طلب می‌کند و خداوند برآوردن حاجت او را تا روز جمعه به تأخیر می‌اندازد». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷)

پیشنهاده: روزهای جمعه را می‌توانید در جوار آستان علی بن موسی الرضا(ع) بگذرانید و برای فرج امام زمان(عج) نیز دعا کنید.

■ این اوقات را دریابید

با نگاهی به ادعیه و همچنین سیره ائمه(ع) متوجه می‌شویم اوقات در دین ما دارای ویژگی‌هایی هستند. اطلاع از این امر می‌تواند برای ما در بهره‌مندی از انجام اعمال در این اوقات مفید باشد. امام صادق(ع) می‌فرمایند: دعا در چهار وقت به اجابت می‌رسد: «پیش از اذان صبح، پس از طلوع فجر، بعد از ظهر و بعد از مغرب». بنا به گفته ایشان، دعا در هر یک از این چهار وقت در امر خاصی تأثیر بیشتری دارد. ایشان در این باره فرموده‌اند: «بعد از طلوع فجر تا طلوع خورشید مخصوص تقسیم رزق و روزی است». (شیخ کلینی، کافی، ج ۲)

روزهای مخصوص را از دست ندهید روز جمعه در دین ما یکی از روزهای مخصوصی است که انگار خدا برای دوست داشتن ما انتخابش کرده است. حضرت علی(ع)

ادبی در حوزه علمیه مشهد بود و دیگری جناب میرزا حبیب‌الله گلپایگانی. این خود، یکی از برکات و آثار معنوی زیارت امام رضا(ع) است که انسان توفیق می‌یابد در آن دیار به زیارت عالمان بزرگ نائل آید و از خرمن دانش و معنویت آن‌ها فیض ببرد. (سوادکوهی، ۱۳۸۷: ۸۰)



سپاه نامه

نگاهی به توصیفات گنبد و بارگاه حرم

مطهر در سفرنامه‌ها

شعله‌ای از خورشید که می‌درخشد



گنبد مهم‌ترین نشانه حرم‌ها و اماکن متبرکه مذهبی است. نمادی که معماران برای نشان دادن شأن و مقام صاحب حرم، آن را می‌سازند. هر چند هیچ خشت و گلی نیست که بتواند در قد و قواره این بزرگان باشد اما هنر معماران طی قرن‌ها به همراه ارادتشان با هم جمع شده و گوشه‌ای از عظمت این بناهای متبرک را رقم زده است. «گنبد طلایی زیبای مشهد از دور مثل شعله خورشید می‌درخشید و ما را به وصول این شهر تاریخی نوید می‌داد». (سایکس، ۱۳۶۶: ۲۹۹) در ادامه نگاهی به توصیف گنبد و گلدسته و مناره‌های حرم مطهر امام رضا(ع) در سفرنامه‌های سیاحان قدیمی داریم.

هوثم شیندلر در سفرنامه خراسان ضمن اشاره به مکانی در محدوده شهر با نام تپه‌سلام، می‌نویسد: از این تپه شهر مشهد با گنبد مقدس امام نمایان است. (صفاء الطلطنه ثانی، ۱۳۶۶: ۱۰۶) مسافری دیگر، همه مشهد را تنها گنبد با شکوه حرم می‌داند و می‌گوید: «خیابانی که در آن قدم گذاشتیم عریض و زیبا بود و از وسط آن نهر آبی می‌گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره‌های طلاپوش حرم امام رضا(ع) چشم‌انداز انتهایی این خیابان را تشکیل می‌داد». (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۷)

احتمالاً مفصل‌ترین توصیف از آن بارنز است؛ او در بخشی از سفرنامه خود آورده است: «در ۹ میلی مشهد، بر فراز بلندی که به آن تپه‌سلام می‌گویند، رسیدیم. تپه‌سلام محلی است که مسافرانی که به قصد زیارت به مشهد می‌آیند، اولین منظره را از این شهر و گنبد طلای حضرت رضا(ع) در پیش رو می‌بینند. (بیت، ۱۳۹۲: ۱۳۶۵) در واقع به غیر از آستانه که گنبد طلایی و مناره‌های آن از دور قابل رؤیت است در شهر بنای قابل ملاحظه دیگری به چشم نمی‌خورد» (همان، ۳۰۲۰)

«از یک‌ها تک بیٹی دارند که می‌گویند اگر مشهد آن گنبد نیلگون را نداشت، اصولاً جای خوبی نبود. از سوی دیگر، ایرانی‌ها مشهد را چنین توصیف می‌کنند: مشهد نورانی‌ترین نقطه روی زمین است، زیرا محل درخشیدن نور الهی است. در بخارا، یک شیعه خود را سنی وانمود می‌کند و در مشهد برعکس، یک سنی آرزومند است شیعه به حساب آید... قبر امام تقریباً در وسط شهر در زیر گنبدی با پوششی از طلا، که با دو مناره طلاپوش درختان اطرافش برابری می‌کرد، قرار داشت. این گنبد و مناره‌ها در زیر پرتو خورشید با درخشش زیادی نورافشانی می‌کرد. نزدیک قبر و در پشت آن، مسجد بزرگی با گنبد و مناره‌های آبی لاجوردی قرار دارد». (همان)

مسافری دیگر مشهد را همه حرم امام رضا(ع) می‌بیند و می‌نویسد: «کاشی‌کاری‌ها از دور مانند آن بود که گل‌کاری کرده بودند و باید متعلق به سده هفدهم یا هجدهم باشد. در میان آن‌ها، گنبدی طلایی سر برآورده که نشانگر آرامگاه امام است. شاه عباس آن را در ۱۶۰۷ ساخت. البته پیش از او هم گنبد وجود داشت، اما شاه عباس بازسازی عظیمی در حرم امام رضا(ع) انجام داد. بهترین منظره از دروازه پایین خیابان دیده می‌شود. از اینجا زمینه بی‌رنگ خانه‌های گلی و درختان سبز تیره موجب می‌شود گنبد و مناره‌ها و گنبد‌های آبی واضح‌تر دیده شوند و زمینه پشت آن که از کوه‌های قهوه‌ای بریده بریده و سایه‌های تیره آن‌ها و رنگ‌های کم‌حال تشکیل شده است با رنگ‌های تند بناها تضاد دل‌پذیری ایجاد می‌کند. مشهد به جز این‌ها عمارت قابل توجهی ندارد و این یک واقعیت است. همه جا بر است از خانه‌های گلی یکنواخت که بالای بعضی‌شان بادگیر دیده می‌شود... اگر حرم را که به منظره شهر جلوه‌ای می‌بخشد، مستثنا کنیم چیزی به جز صف بلندی از دیوارهای گلی و چند درخت بلند، در طول خیابان مشاهده نمی‌شود». (مک گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۱-۲۵۰)